



محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

محمد فرهاد کلینی

### گری سبک: هیچ کس رابطه (امام) خمینی با امریکار باور ندارد

گری سبک، عضو اسبق شورای امنیت ملی امریکا، در پاسخ به سوال خبر آنلاین در خصوص ادعاهای مطرح‌شده از سوی بی‌بی‌سی فارسی گفت:اساسا این کار بی‌بی‌سی توفان در فئجان است. هیچ کس در دولت امریکا و تا آنجا که من می‌دانم در دولت ایران باور ندارد که واژه‌های استفاده‌شده از سوی (امام) خمینی در پیام‌ها یا اظهارات عمومی‌اش در حمایت از صلح، ثبات، دموکراسی، حقوق بشر و حقوق زنان، دلیل و سندی مبنی بر این است که (امام) خمینی خواستار روابطی نزدیک و پایدار با ایالات متحده بوده‌است.

شده‌است تا امریکا تغییر سنگر سیاسی بدهد. این نوع گزارشات محرک تعامل نیست و به بی‌اعتمادی موجود می‌افزاید. آنها هستند که زمان از دست می‌دهند و فهم این برای برخی در امریکا بسیار دشوار است.

**طرح این ادعا که ایران بزرگ‌ترین حامی ترور بسم است، تا چه اندازه می‌تواند مبنای برای اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران باشد؟**

اینکه امریکا به هر موضوع و پهنه‌ای تحریمی را اعمال کند، نیاز به مستندات دیگری ندارد چرا که سعی می‌کند رفتار یکجانبه‌گرایانه خود را در نظام بین‌المللی نشان دهد. همین چندروز پیش بود که خانم هیلاری کلینتون در پاسخ به ترامپ گفت «هم‌نیکا یک قدرت بی‌رقیب است.» «قدرت‌های جهانی هم باید در ک کاند امریکا از بحث چندجانبه‌گرایی در حال خارج شدن است موضوع ایران را کم‌اکنون به عنوان یک ابزار نگاه می‌کنند. این خود یک آزمون راهبردی در چارچوب همکاری میان قدرت‌های بین‌المللی است و قدرت‌های بزرگ این تغییر شیفت را باید با نگاه راهبردی تحلیل کنند. به نظر می‌رسد ندهای امریکایی در خصوص نحوه تعامل و نوع نگاه به مسائل باید اصلاحات جدی در خود اعمال کنند چون فقط برای رهبران آن هزینه‌سازی می‌کنند. آنها فاقد تحلیل افقی از آینده هستند.

**طرح این مسأله تا چه اندازه می‌تواند موجب هراس بیشتر بانک‌ها و سرمایه‌گذاران بزرگ اروپایی برای سرمایه‌گذاری و انجام مرادها با ایران شود؟**

آنچه بیش از هر چیز نه فقط از نسوی ایران بلکه جهان انتظار دارد، تغییر مواضع امریکا در خصوص مسائل منطقه‌ای است. امریکا هم‌زمان با نوع تعاملی که دنبال می‌کند، تلاش می‌کند تا با موازنه‌سازی موضوعات، نوعی فرافکنی ایجاد کرده و «ایران هراسی و ایران‌گریزی» را دامن‌زند. این موضوع به‌موقعیت نمی‌رسد زیرا کشورهای اروپایی و کشورهای مهم دنیا در نظام اقتصادی نیز به دنبال فرصت‌سازی بهتر و بیشتر برای همکاری با ایران هستند. در هر کدام از این مسیرها، هر کدام از این کشورها اهداف متفاوتی را دنبال می‌کنند و به‌نظر می‌رسد که کشورهای اروپایی از موضع جدی‌تری پیروی می‌کنند. اگر هم بخواهیم در همکاری‌های آینده زیرساخت منطقه‌ای اقتصاد را ایجاد‌شود، نیاز است تا آن کشورها، درک وسیع‌تری از مناسبات را دنبال کنند. البته چنین دورسی و علاقه‌مندی خود را برای همکاری‌های راهبردی با ایران نشان داده‌اند. در میان کشورهای اروپایی هم شاهدسه نوع رویه متفاوت هستیم. برخی مانند سوئیس، ایتالیا، اسپانیا، اتریش، برخی کشورهای اروپای جوان و آلمان خواهان همکاری‌های سریع‌تر و بیشتری با ایران

هیلاری کلینتون

بی‌اعتمادی میان طرفین را تشدید می‌کند و این در حالی است که این مسیر برخلاف نگاه موردنیاز امریکا در تغییر مواضع در رابطه با محور میانه‌است. این دست از گزارش‌هایی‌ش از آنکه راهگشادر درک دقیق‌تر از جایگاه جمهوری اسلامی ایران در منطقه و نظام بین‌الملل باشند عملا در جهت سیاهنمایی دستگاه دیپلماسی امریکا در محیط جهانی محسوب می‌شود. **تا چه اندازه فعالیت‌های منطقه‌ای ایران و ادعای حمایت از ترور بسم جایگزینی برای امریکایی‌ها برای پروژه ایران هراسی پس از حل پرونده هسته‌ای است؟**

از قبل این مسأله پیش‌بینی می‌شد ولی در موضوع برجام نیز همانطور که جهانیان و حتی دوستان اروپایی امریکا شاهد هستند، این کشور پایبندی لازم به تعهداتش رانداشته و «راستی آزمایی امریکا» در چالش قرار دارد و این برخلاف رسیدن به درک مشترک است. که در چند قدمی به دست گرفتن سکان امریکا است. کمیتر شکی وجود دارد که کلینتون به‌طور کل برجام را نفی یا آن را باطل کند، چراکه همان‌طور که اشاره شد برجام اعتباری محبوب برای حزب دموکرات است که رای بسیار زیادی از یک طرف و حمایت اروپایی از طرف دیگر به آن گره خورده است. اما در عین حال هم کمتر شکی وجود دارد که کلینتون بخواهد از فرصت برجام استفاده کند و در واقع وی فوالبته علیه آن کار خواهد کرد. یک دلیل قوی برای اثبات این ادعا کارنامه سیاسی کلینتون است که از وی به‌قول امریکایی‌ها یک شاهین مشکوک ساخته‌است. نگاه شکاکانه و بدبینانه کلینتون باعث شده که وی در موضع‌گیری راجع به استفاده از گزینه‌های نظامی بسیار جسور و مهاجم باشد. به عنوان نمونه وی در سخنرانی خود در موسسه بروکینگز در سپتامبر ۲۰۱۵ جمله معروف ریگان جمهورپخواه، «به‌شوری را که می‌گفت «اعتماد کن اما راستی آزمایی کن» در مورد ایران این گونه تغییر داد که «اعتماد نکن و راستی آزمایی کن». وی در همین سخنرانی خطاب «بران رییس جمهور جدید را آزمایش خواهد کرد تا

کشور مغرب واقع است و بخش غربی صحرای عظیم آفریقا را تشکیل می‌دهد. تا سال ۱۲۵۴. این منطقه مستعمره اسپانیا بود. پس از ۹۰ سال، اسپانیا تا منطقه صحرا به عنوان یکی از آخرین تصرفات پادشاه دوران امپراتوری خود عقب‌نشینی کرد. به دنبال آن، مغرب بر کرده می‌شد بعد نیروهای نظامی این کشور صحرای غربی را اشغال کردند. هسته‌های اولیه پولیساریو توسط عبدالعزیز و باران چیگرایش در همین دوران شکل گرفت و آنها تا سال ۱۳۷۱ جنگ چریکی همه‌جانبه‌ای را علیه رباط پیش بردند. پیش از انقلاب با کمک بسیاری نزدیک محمدرضا شاه پهلوی با کمک حسن دوم، پدر پادشاه کنونی مغرب، ایران را یکی از حامیان مهم این کشور در منازعه بر سر سرنوشته صحرای غربی کرده بود. رژیم پهلوی، همان‌گونه که در بخش‌های مختلف خاطرات اسدالله علم، رییس دربار شاه دیده می‌شود، بسیار به حفظ جایگاه ملک حسن دوم، پادشاه وقت مغرب، اهمیت می‌داد و با کمک مالی و نظامی، رباط را در جنگ پولیساریو پاری می‌رساند. اما انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ ور را کاملاً بر گرداند. پادشاه مغرب به یکی از دشمنان تهران بدل شد و در مقابل، الجزایر که از کشورهای قدرتمند جبهه رادیکال عربی بود به همراه پولیساریو به جز که متحدان ایران انقلابی در منطقه شمال آفریقا وارد شدند. رباط مغرب با انقلاب ایران به سرعت رو به تیرگی نهاده، چراکه ملک حسن دوم، هر چند از روی آگراه، برای مدتی بذریا

هستند و برخی از کشورها نیز مسیر کندتری را نسبت به کشورهای نوع اول در حال طی کردن هستند که در این راستا می‌توان تا حدودی فرانسه و سپس هلند و حتی انگلیس را مثال زد. جریان سوم نیز بیشتر شامل کشورهای شمال اروپا هستند که پس از سفر آقای ظریف؛ نظم‌بیشتری پیروی خواهد کرد. آنها خواستار همکاری‌های بیشتر و قوی‌تری در مسائل بانکی، مالی و صنعتی با ایران هستند. در مجموع کشورهای اروپایی هم که در گذشته رازینی‌هایی با ایران انجام داده‌اند باید در مذاکرات با امریکا «سه‌م خود را برای همکاری با ایران بیش از پیش مشخص و تقویت کنند.» «قبلاً گفته می‌شد امریکایی‌ها آنها ساقی جهت همکاری مشخص کرده است و به آنها قول دادند که فشار جدیدی وجود ندارد. لیکن وزارت خزانه‌داری امریکا سعی می‌کند تا جایگاه قدرت و اعتبار دلار را با موضوع فشار به ایران افزایش دهد و به‌نظر می‌رسد فشار آنها به ایران، به‌جای ایران بیشتر برای «کنترل کردن رقبا و پیورو» است. در این راستا لازم است تا کشورهای اروپایی هم نسبت به این محدودیت‌ها واکنش جدی‌تری از خود نشان دهند. در خصوص تجارت آتلانتیکی هم ما شاهد این مشکل بوداهم و آنها با پاسخی روشن اقدام کردند در مجموع اعمال فشار بر امریکا موضوع جدیدی نیست و در چارچوب ضرورت همکاری بیشتر است.

**طرح حمایت ایران از با‌الله و دولت پشمارا، اسد، تا چه اندازه برای تضعیف نقش و جایگاه ایران در سوریه است؟**

چه دولت فعلی و چه دولت بعدی امریکا باید درک کند که ایران، متحدان منطقه‌ای و سیاست‌اصلی خود را رها نمی‌کند. آنها باید درک کنند که نوع نگاه ایران در جهت ثبات بیشتر و مشارکت راهبردی در منطقه است و مخالف کاهش همکاری و عمق روابط سنتی خود با جبهه مقاومت است که شجاعانه علیه تروریسم مبارزه می‌کند. تحولات ژئوپولیتیک در منطقه از الزامات امنیتی جدید در بینش امریکایی نمی‌تواند با نگاه سنتی و کهنه به پیش برود. شعارها و مواضع کلیشه‌ای برابر با آینده نیست. برای استراتژیست‌های واقع‌گرا در امریکا باید این رفتارهای اسطحی پیامد ندارد. ضرورت بازتعریف منطقه باید به صورت متمرکز و درک شایسته از ایران دنبال شود. «اینرسی قدرت و امنیت» در منطقه بسیار زیاد است. اگر نگاه جدی و مسلط و بی‌طرفانه رفتار اراچه در فضای عمومی و چه در فضای اقتصادی تصحیح کنند، آنگاه تولید ظرفیت‌های جدید می‌تواند قابل بررسی باشد. امروزه الگوی اقتصادی در ژئوپولیتیک منطقه موضوعی است که بسیاری از اقتصاددانان و کارشناسان ژئوپولیتیک آن را مطرح می‌کنند و می‌دانیم که می‌دانند این الگو بدون ایران امکانپذیر نیست. تاکید می‌کنم ظهور درک پایدار منوط به رفتار سازنده است.

تولید شده بودند فقر می‌دانند. این معامله در بعدازظهر کرسمس سال ۲۰۱۱ نهایی می‌شود و چیک سالیوان، مسوول دفتر کلینتون در زمان وزارت‌ش و مشاور ارشد سیاسی کنونی وی ایملی برای او بانوان «خبر خوب» ارسال می‌کند. ندرن تریک آمیز در این سری از ایملی‌ها بسیار مشهود است طوری که سالیوان در جایی از این معامله به عنوان «یک هدیه کرسمس» برای کلینتون یاد می‌کند. می‌توان مشاهده خوشحالی‌ها را در کمک

مالی ۱۰ میلیون دلاری پادشاهی عربستان به بنیاد کلینتون و همچنین کمک‌های مالی لایبنت بوینگ که کمپین کلینتون در مراحل اولیه انتخابات حزب دموکرات، جسته‌وجو کرد. مهم‌تر از همه اینها، ساختار فکری غالب در سیاست خارجی واشگتن به‌شدت مخالف بوستن ایران به جز که عملیات بین‌الملل است. یک گزارش اخیر از مرکز امنیت امریکایی جدید (center for a new American society) که به همکاری هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه تهیه شده است این ساختار فکری را اثبات می‌کند. مرکز که بسیاری از ناموساختار فکری سیاست‌خارج و واشگتن می‌دانند در این گزارش می‌نویسد: «تهران باید بداند واشگتن انتظار ندارد که توافق هسته‌ای به رابطه متفاوت واشگتن و دولت ایران بینجامد.» با توجه به این شواهد، بسیار بعید به نظر می‌رسد که ریوکر، تعامل با ایران و در پی آن ساختن پاسخی جایگزین برای افراط‌گرایی و جنگ‌افروزی که در اواخر دوره اواما در این سفید شکل گرفته بود با حضور کلینتون ادامه پیدا کند. می‌توان انتظار داشت که ریوکر کلینتون به ایران در ماه‌های آینده کم تغییر یا ثابت بماند ولی این انتظار برای ترامپ تازه وارد منطقی نیست.

پا پذیر آورنده ایران» دانست و اصرار داشت که در «جرای تحریم‌های کنونی و اعمال تحریم‌های جدید» خواهد کوشید و از استفاده از حمله نظامی علیه ایران ابایی نخواهد داشت، مورد تشویق لابی قرار گرفت. ممکن است بعضی‌ها این سخنرانی کلینتون را شرطی نامند و برای کسب کرسی ریاست‌جمهوری امریکا بدانند و بگویند وی همچون بقیه کاندیداهای قبیل از او چه جمهوریخواه و چه دموکرات چاره‌ای جز سرس